

تحلیل سیاسی هفته (۲۱) تشکیل دولت جدید لبنان و تحولات پیش رو

پنج ماه پس از سرنگونی دولت سعد حریری نخست‌وزیر لبنان از جریان ۱۴ مارس، دولت جدید این کشور به نخست‌وزیری نجیب میقاتی از افراد متنفذ ولی مستقل اهل سنت لبنان شکل گرفت. این دولت ۳۰ وزیر دارد که سهم جریان هشت مارس در آن ۱۸ وزیر و سهم نخست‌وزیر و رئیس‌جمهور نیز ۱۱ وزیر می‌باشد. هر چند دولت لبنان با ترکیب ۳۰ وزیر معرفی شد، اما خروج طلال ارسلان رئیس حزب دروزی دمکراسی عربی از ترکیب کابینه در همان ساعات اولیه تشکیل کابینه، ترکیب آن را شامل ۲۹ وزیر کرد.

اصولاً دلیل تأخیر تشکیل دولت لبنان به کارشکنی‌های صورت گرفته غرب در این کشور بازمی‌گردد. سفرهای مکرر مقامات آمریکایی به خصوص جفری فلتن معاون وزیر امور خارجه این کشور به بیروت از فردای سقوط دولت حریری در این راستا مهم ارزیابی می‌شود. دخالت سفیر آمریکا و برخی از سفرای اروپایی و عربی در این مسیر نیز به گونه‌ای مهم و قابل توجه بود که حزب‌الله لبنان در بیانیه‌ای مهمترین دلایل تأخیر در تشکیل دولت را دخالت سفارتخانه‌های خارجی ارزیابی کرد.

هرچند در این کابینه جریان ۸ مارس بیشترین پست‌های وزارتی را برعهده دارد، اما برخلاف تبلیغات صورت گرفته از سوی رسانه‌های طرفدار جریان ۱۴ مارس و برخی از رهبران آن، این دولت نه تنها دولت حزب‌الله نیست، بلکه شیعیان کمترین حضور را هم در آن دارند. برای تشکیل دولت جدید لبنان نه تنها حزب‌الله باز هم کمترین مشارکت را داشت - با تنها دو وزیر - بلکه سازمان امل که معمولاً ۶ وزیر در هر کابینه‌ای معرفی می‌کرد نیز برخلاف پیمان طائف عمل کرد و با دادن یکی از سهمیه‌های خود به اهل سنت لبنان پنج وزیر در دولت فعلی دارد. این خود بیانگر خلاف‌گویی جریان ۱۴ مارس در مورد غلبه سیاسی حزب‌الله و به خصوص شیعیان در دولت جدید این کشور است، مسیحیان با داشتن ۱۰ وزیر بیشترین تعداد وزرا را در قالب جریان ۸ مارس در دولت دارند.

دولت جدید لبنان دارای ویژگی‌های متفاوتی نسبت به دولت‌های پیشین این کشور است که می‌توان مهمترین آنها را به شرح ذیل برشمرد:

۱. نخستین دولتی است که از سال ۲۰۰۵ تاکنون نخست‌وزیر آن از جریان ۱۴ مارس نیست.
 ۲. نخستین دولت غیرائتلافی در لبنان است که تنها از یک جریان تشکیل شده است.
 ۳. نخستین دولتی است که در آن پیمان طائف برای ترکیب دولت رعایت نشد.
 ۴. نخستین دولتی است که بدون هیچ‌گونه مداخله خارجی و تنها براساس تصمیم داخلی در این کشور تشکیل شده است.
 ۵. نخست‌وزیر در این دولت مستقل است و وابسته به هیچ جریان و حزبی در این کشور نیست.
 ۶. نخستین دولتی است که با وجود حضور اکثریتی یک جریان در آن، ترکیبی متفاوت دارد. جریان ۸ مارس لبنان متشکل از حزب‌الله لبنان، جریان ملی آزاد، جریان سیاسی سلیمان فرنجه، سازمان امل، احزاب و شخصیت‌های سیاسی ملی‌گرای سنی حامی مقاومت در لبنان، جریان‌های دروزی مستقل لبنان و انضمام تیم پارلمانی ولید جنبلاط آن را دولتی ملی و متنوع ساخته است.
 ۷. تشکیل دولت جدید به عمر سیاسی خانواده حریری بر عرصه سیاسی این کشور پایان داد. خروج سعد الحریری از لبنان و اقامت وی در پاریس نخستین پیامد مستقیم تشکیل دولت جدید به شمار می‌رود.
 ۸. دولت جدید موازنه قوا در لبنان را تغییر داده است. تا جایی که جریان ۱۴ مارس از اکثریت به اقلیت تبدیل شد. کابینه جدید لبنان پس از تشکیل بنا به گفته نجیب میقاتی در راستای آزاد کردن اراضی اشغالی این کشور از چنگال رژیم اسرائیل، بازگشت به گفتگوهای ملی و همچنین احترام به پیمان طائف، توسعه روابط با کشورهای جهان گام برخواهد داشت اما پس از تشکیل این دولت، واکنش‌ها نسبت به آن بسیار متفاوت بود.
- بان کی مون دبیرکل سازمان ملل خواستار متعهد ماندن دولت جدید لبنان به قطعنامه ۱۷۰۱ شورای امنیت شد، در حالی که دبیر کل سازمان ملل از رژیم صهیونیستی تاکنون چنین درخواستی نداشته است.

مارک تونر سخنگوی وزارت خارجه آمریکا نیز گفت: آمریکا بر اساس عملکرد و کارهای این دولت، نظر خود را خواهد داد و مهم این است که دولت لبنان طبق قانون اساسی لبنان عمل کند؛ هرچند برخی از سناتورهای آمریکایی گفته‌اند آمریکا باید کمک‌های نظامی و اقتصادی خود به لبنان پس از تشکیل دولت جدید این کشور را قطع کند. اتحادیه اروپا نیز در واکنش به تشکیل دولت خواستار احترام آن به دادگاه بین‌المللی ترور حریری شد، مسئله‌ای که به دلیل واژه جریان ۱۴ مارس از عدم طرح آن در دولت جدید، بهانه آنها برای کناره‌گیری از دولت شد.

در بعد منطقه‌ای نیز علاوه بر ایران و سوریه که نخستین کشورهای بودند که تشکیل دولت در لبنان را تبریک گفتند، عربستان به عنوان یکی از عوامل مداخله‌گر در لبنان و حامی جریان ۱۴ مارس تشکیل دولت را تبریک گفت، اما واکنش جریان ۱۴ مارس و سران آن به تشکیل دولت نیز به نوبه خود قابل تأمل است. در بیانیه رسمی صادر شده از سوی این جریان که ناشی از عصبانیت شدید آنهاست، تشکیل دولت را کودتای حزب‌الله در راستای منافع ایران و سوریه عنوان کرده است.

در مورد واکنش سران این جریان نیز باید به واکنش سمیر جعجع و سعید فارس اشاره کرد که از حکومت جدید لبنان به نخست‌وزیری نجیب میقاتی به عنوان یک عکس یادگاری یاد می‌کنند و به زعم خود آن را حکومتی وابسته به حاکمیت نظام بشاراسد می‌دانند و معتقدند زمان سقوط حکومت میقاتی نزدیک است، زیرا به اعتقاد آنان، سقوط نظام سیاسی در دمشق به رهبری بشاراسد نزدیک است.

در راستای همین تفکر این جریان شهر طرابلس در شمال لبنان را به آشوب کشید که در پی آن ۱۲ نفر کشته و زخمی شدند. پیام خونین جریان ۱۴ مارس به دولت جدید، نشان از روزهای ناآرامی خواهد داشت که این جریان غربگرا برای مردم لبنان رقم خواهد زد. با نگاهی به زمان انفجار در طرابلس که همزمان با سخنرانی میقاتی و چهار وزیر کابینه وی برای مردم این شهر بوده است، می‌توان مفهوم این پیام را درک کرد تا جایی که نخست‌وزیر لبنان از آن به عنوان «دست‌های فتنه» یاد کرد.

میقاتی پس از تشکیل دولت به جنوب لبنان رفت که آن را دژ مستحکم مقاومت می‌خواند، در اولین سفر خارجی خود تصمیم گرفته است به سوریه برود که با توجه به شرایط فعلی این کشور و دشمنی آشکار کشورهای غربی و عربی با سوریه نکته بسیار مهم و قابل توجهی است. اما سومین موردی که باید به آن اشاره کرد؛ انتخاب وزیر امور خارجه جدید لبنان است. عدنان منصور سفیر سابق لبنان در تهران از سوی سازمان امل به عنوان وزیر خارجه لبنان معرفی شده است به گفته منابع مخالف دولت لبنان به عنوان دوستدار ایران و سوریه معرفی شده است. تصمیم وی برای سفر به ایران در هفته اول تیرماه جهت شرکت در کنفرانس بین‌المللی مبارزه با تروریسم از سوی مخالفان در همین راستا تعبیر شده است. اما در تشکیل دولت لبنان دو مورد مهم قابل توجه است:

۱. پیش از تشکیل وقوع انقلاب‌های عربی، آمریکا بر آن بود تا با استفاده از پرونده رفیق حریری، ایران، سوریه و به صورت کلی محور مقاومت را تحت فشار قرار دهد. تکیه آمریکا برای تحرک در این موضوع دولت تحت رهبری جریان ۱۴ مارس و سعد الحریری بود که با توجه به خروج آنها از دایره قدرت به نظر می‌رسد که این مسئله امروز دیگر ارزش خود را از دست داده و آمریکا نمی‌تواند از این حربه علیه محور مقاومت استفاده کند.

۲. صرف تشکیل دولت در لبنان نشان از آن دارد که سیاستمداران لبنانی تحولات منطقه‌ای را به نفع محور مقاومت ارزیابی کرده‌اند؛ بنابراین تشکیل دولت بیانگر این پیام است که سیاست‌های آمریکا در منطقه شکست خورده تا جایی که موفق به ممانعت از تشکیل دولت در لبنان نشده است.

آنچه که در مورد تشکیل دولت جدید لبنان به عنوان نتیجه‌گیری باید عنوان کرد، افزایش فشار کشورهای غربی بر این دولت به دلیل نزدیکی به مقاومت است. در بعد داخلی نیز جریان ۱۴ مارس و سلفی‌های تابع عربستان در این کشور فعالانه علیه دولت خرابکاری خواهند کرد. بقا و ثبات دولت نجیب میقاتی وابستگی تام و تمامی به ثبات و امنیت در سوریه دارد. اگر دولت بشاراسد موفق به غلبه بر ناآرامی‌های موجود در سوریه شود، دولت میقاتی نیز فرصت تنفس و تداوم کار را خواهد داشت در غیر این صورت همزمان با ناآرامی‌ها در سوریه و فعالیت گروه‌های مسلح در این کشور، مخالفان مقاومت نیز بازوهای مسلح خود را برای بی‌ثبات کردن امنیت ملی و شاخه‌های اقتصادی خود را جهت ناکارآمد جلوه دادن دولت به کار خواهند گرفت.